

درآمدی بر رویکرد معنایی اعداد در شعر حافظ

۱. مهدی عبدی ۲. آرزو عبدی

دانشجوی دکتری، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران

کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران.

mehdi_abdi_64@yahoo.com

Arezoabdi89@yahoo.com

چکیده

کاربرد اعداد از دیرباز مورد توجه شاعران ایرانی بوده است، و آنها اعداد متنوعی را با مفاهیمی خاص در متن اشعار خود به کار می‌برده‌اند. اعداد در باورهای کهن مردم ایران زمین، دارای کارکرد مهم و تأثیرگذاری بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تعدادی از آنها جایگاه مقدس و برجسته‌ای در میان مردم داشته‌اند و برخی دیگر نیز منحوس و نشانی از عالم شرّ به‌شمار می‌آمده‌اند. شاعران نامدار نیز با آگاهی از این باورها، و برای تثبیت مفاهیم اعداد در ذهن مخاطبان خود، از آنها با بسامد بالا و کارکردهای مختلف و همسو با باورهای مردمی استفاده کرده‌اند. ضمن اینکه خود علم‌الاعداد نزد قدما و شعراء جایگاهی رفیع داشته است، و در زبان فارسی، به‌خصوص در شعر، اعداد در قالب بسیاری از تعبیرات و کنایات نیز به کار رفته‌اند. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، در غزلیات خویش به‌وفور از اعداد مختلف برای بیان اهداف بلند خویش در قالب اشارات و کنایات مختلف استفاده کرده، که نشان از آگاهی و توانمندی این شاعر در شناسایی اعداد مخصوص نزد باورهای مردمی است. او سعی کرده از این طریق با مخاطبانش ارتباط برقرار کند، و با شگردی خاص جایگاه والای این اعداد را تبیین کند. در نوشته حاضر با استفاده از روش استقرایی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، کوشیده‌ایم ضمن نقل شواهد و ابیاتی روشن، کارکردهای مختلف معنایی این اعداد را در دیوان حافظ بررسی کنیم، و به تبیین جایگاه آنها نزد این شاعر بپردازیم.

واژگان کلیدی: حافظ شیرازی، شعر فارسی، اعداد فارسی، رویکرد معنایی، سبک شخصی.

Introduction to numbers semantic approach in poetry of Hafez's poetry

1. Abdi, Mehdi; 2. Abdi, Arezoo

1. Department of Persian language and literature, university of Mohagheh Ardabili, Ardabi, Iran.

2. Faculty of Humanities, Azad Islamic university of Rasht, Iran

Abstract

Iranian poets have attentioned use of numbers from the past and have used various numbers with especial concepts in their poems. Numbers in the ancient beliefs of the people of Iran have had important and effective function; so that some of them had holy and outstanding place among people and others were sinister and symbol of evil universe. Famous poets with awareness of these beliefs and to consolidate concepts in the mind of their audience, have used these numbers high frequency, with various functions in line with people beliefs. Science of numbers have had sublime place to the

scholars and poets and numbers have used in different format of many Interpretations and allegories in Persian language especially poetry. Hafez frequently has used different numbers to explain his eminent goals in format of indications and allegories that they show awareness and ability of this poet to recognize especial numbers in people beliefs. He has tried to communicate with his audiences in this way and explain eminent place of these numbers by especial techniques. In the article we have tried to study different semantic functions of the numbers in Hafez's poetry by using inductive method depend on library studies and mentioning clear evidences and stanzas and have defined their place to the poet.

Keywords: Hafez, Persian poetry, Persian numbers, semantic approach, personal style

۱. مقدمه

زبان با عدد و ترکیبات و مفاهیم عددی آمیختگی گسترده‌ای دارد، و بخش درخور توجهی از پیکره آن را اعداد تشکیل می‌دهند. کارکردهای اعداد به قدری زیاد، متنوع و پرگستره است، که تأثیر و حضور مستقیم و غیر مستقیم آن در تمام امور روزمره زندگی بشر و عرصه علوم و فنون عصر به وضوح به چشم می‌خورد.

نقش و حضور اعداد را می‌توان در باورهای مذهبی مردم نیز شاهد بود و حس کرد؛ به گونه‌ای که گاهی بر ذکر خاصی با تعداد معینی تأکید می‌کنند یا اعدادی را مقدس و نمادی از امور الهی و اعداد دیگر را منحوس و نمادی از عالم شر می‌دانند و از آنها دوری می‌جویند. حتی در دوره حاضر، که به عصر فناوری و دنیای مجازی شهرت دارد، شاهد باور به این دو وجه از اعداد در فرهنگ و نگرش مردم هستیم. در واقع نقش‌های نمادین اعداد بسیار متنوع است؛ به گونه‌ای که می‌توان در فرهنگ‌های گوناگون شباهت‌های قابل تأملی در تفسیر آنان از اعداد شاهد بود. همین اهمیت و گستردگی کارکرد اعداد است که گروهی از محققان را بر آن داشته، تا این موضوع را از جنبه‌های گوناگون علمی و تخصصی مورد بررسی و پژوهش قرار دهند.

علم‌الاعداد نزد قدما جایگاهی شایان توجه داشته است. به عنوان نمونه، در یکی از رسائل اخوان‌الصفا درباره اعداد چنین آمده است: «عدد نمونه‌ای از جهان برین است و با شناختن آن، جوینده رفته‌رفته به قسمت‌های دیگر علوم ریاضی و طبیعی و الهی راه می‌یابد. علم عدد، ریشه علوم و عنصر حکمت و مبدأ معرفتها و اساس معانی است.» (اخوان‌الصفا، ۱۹۴۹: ۹)

ایرانی‌ها، سومری‌ها، مصری‌ها، ژاپنی‌ها، چینی‌ها، هندی‌ها، یونانی‌ها، مسیحی‌ها، بودایی‌ها، مسلمانان، عبرانی‌ها و بسیاری دیگر از اقوام و ادیان کهن، با اعداد برخوردی نمادین داشته‌اند. نماد، در معنایی ساده، جانشین رازناکی از یک مفهوم و تصویر است، که به صورت ناخودآگاه درک می‌شود.

علاوه بر اینکه اعداد در میان اقوام گوناگون، مفاهیم نمادین گوناگونی به خود گرفته است، همه آنها در بر دارنده مفاهیمی ماورایی، ذهنی، انتزاعی، و اسرارآمیز هستند. اعداد صفر، یک، دو، سه، پنج، هفت، نه، دوازده، سیزده، چهل، هفتاد، صد و هزار همواره اعدادی هستند، که نزد اقوام مختلف دارای درجات اعتبار و بار نمادین ویژه‌ای بوده‌اند.

ملل مختلف دنیا در بستر اساطیر اولیه تمدن‌های خود، به اعدادی خاص توجه نموده و حتی آنها را تقدیس نموده‌اند، و بدین ترتیب مکاتب مختلفی به وجود آمده که هر کدام به طریقی بر اساس تقدیس عددی خاص، به تنظیم و تقویت ایدئولوژی مورد نظر خود پرداخته‌اند، که این شیوه نگرش خود زمینه‌ای برای ورود اعداد خاص و گاهی مقدس به متن و بطن ادبیات هر کشوری شده است.

امروزه نیز با سیری در ابعاد مختلف زندگی بشری، نمونه‌های بسیاری از این قبیل می‌توان یافت که در آن، اعداد علاوه بر ارزش کمی و صوری، دارای جایگاه و شاخصه کیفی و معنوی نیز هستند؛ به طوری که کارکرد کمی و صوری آنها رنگ باخته و ویژگی، ارزش و جایگاه متفاوتی یافته، باور، رفتار و عملکرد مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی چون مقدّس، خوش‌یمن، بدیمن، نحس و امثال آن، عمومی‌ترین و در عین حال برجسته‌ترین صفاتی است که به اعداد نسبت داده می‌شود. به عبارتی دیگر در حوزه فرهنگ و باور عامه، اعداد به دو دسته خوش‌یمن (مقدّس) و بدیمن (نحس) تقسیم می‌شوند، که بنا بر این باور، دسته اول باعث خوش‌اقبال شده، دسته دوم نامبارکی به همراه دارد.

نویسنده برای روشن شدن موضوع مورد بحث، و عینیت بخشیدن هر چه بیشتر به آن، به بررسی رویکردهای معنایی اعداد در دیوان حافظ پرداخته است. تلاش برای پیگیری پیشینه این پژوهش، نشان می‌دهد تاکنون چنین موضوعی در حوزه حافظ-پژوهی انجام نشده است.

شاعران زیادی از دیرباز تاکنون، اعداد را در متن اشعار خود برای مقاصد و معانی گوناگون به کار برده‌اند، که یکی از آنها حافظ شیرازی (۷۲۶-۷۹۱ ه. ق)، مشهور به لسان‌الغیب است. از عمده‌ترین ویژگی‌های شعری حافظ، موارد زیر درخور ذکرند: ۱. رمزپردازی ۲. رعایت دقیق تناسب هنری ۳. لحن مناسب و شورافکنی شاعر در آغاز شعرها ۴. طنز ۵. ایهام و ابهام ۶. قدرت تصویرپردازی ۷. استفاده گسترده از مضامین ۸. موسیقی گوش‌نواز ۹. به کارگیری کنایه ۱۰. رسایی بیان. حافظ از اعداد با بسامد بالایی در متن اشعار خود بهره برده و آنها را با کارکردهای معنایی گوناگون همراه ساخته است، که برای روشن شدن این امر به بررسی نمونه‌هایی چند می‌پردازیم:

۱. جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد صوفیان رقص کنان ساغر شکرانه زدند (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۷۱)
در اینجا منظور حافظ، هفتاد و دو فرقه مذهبی است که چنانکه گفته‌اند از هفتاد و سه فرقه، یک فرقه آن بر حق و بقیه بر باطل است. همان‌گونه که عین‌القضاء همدانی می‌گوید: «دریغا هفتاد و دو مذهب که اصحاب با یکدیگر خصومت می‌کنند و از بهر ملت هر یکی خود را ضدی می‌دانند و یکدیگر را می‌کشند.» (عین‌القضاء، ۱۳۵۴: ۲۱۵)
البته شاعر شهیر و پرآوازه دیگری چون خاقانی شروانی نیز در بیت زیر از هفتاد و سه فرقه یاد کرده است:

۲. ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۳)
منظور حافظ از ده روزه در اینجا، عمر کوتاه و حیات اندک است، که امثال صائب تبریزی (۱۰۰۰-۱۰۸۶ ه. ق) و دیگران نیز در اشعار خود به آن اشارتی داشته‌اند.

۳. دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود
چل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت تدبیر ما به دست شراب دو ساله بود (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۹۹)
چهل سال سن پختگی و کمال فکری انسان است، که می‌تواند نمودار سن شاعر به هنگام سرودن غزل باشد. ضمن اینکه کنایه از یک دوره چله نشینی صوفیانه نیز تواند بود.

شراب دو ساله هم به اعتبار اینکه شراب بعد از دو سال رسیده می‌شود، گفته شده است. به تعبیری دیگر، بر داستان شیخ صنعان که در منطق‌الطیر عطار آمده است، اشاره دارد که منظور از شراب دو ساله، همان روشن‌بینی و بیدارشدگی در عشق است.

در گستره فرهنگ و ادب فارسی، عدد هفت نقش مهمی دارد، و هفت پیکر نظامی و هفت اورنگ جامی، از منظومه‌های معتبر فارسی، نمودی از یادآوری این اهمیت هستند. در فرهنگ امروزه نیز عدد هفت نشانگر بسامد و کثرت است. رقم اسرارآمیز و مقدس‌گونه هفت، از ترکیب دو عدد سه و چهار به وجود آمده است، که بنا بر حکمت فیثاغورثی و زمانی بسیار دورتر از آن، اعدادی خوش‌یمن شناخته می‌شدند. بابلیان، مصریان و تمدن‌های باستانی دیگر، به وجود هفت سیاره مقدس اعتقاد داشتند. در زبان عبری واژه قسم خوردن، به طور تحت‌اللفظی به معنای قرار گرفتن تحت نیروی هفت چیز است که برگرفته از هفت میشی است، که در پیمان میان ابراهیم نبی و ابی ملک در بیرشیا بدان اشاره شده است. هرودوت نیز به یک سوگند عبری اشاره کرده که در آن هفت سنگ به خون آغشته می‌شوند. آفرینش جهان در هفت روز انجام شد، هفته، هفت روز دارد، هفت حسن خداداد، هفت گناه کبیره در مسیحیت، هفت مرحله در زندگی انسان، هفت [به روایتی هشت] طبقه بهشت و جهنم و مثال‌های بی‌شمار دیگری در میان ادیان، ملل و اعصار مختلف، از جمله مصادیق حضور جادویی عدد هفت در زندگی و مرگ انسان‌ها هستند. (نصیری دهقان، ۱۳۸۹: ۷۸)

نگاه و نگرش پرمعنا و پربسامد حافظ به عدد هفت را در ابیات زیر از نظر می‌گذرانیم:

۴. آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست عالمی دیگر بیاید ساخت وز نو آدمی

گریه حافظ چه سنجد پیش استغناي عشق اندرین طوفان نماید هفت دریا شبنمی (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۹۱۹)

حافظ در این بیت به هفت دریا اشاره کرده، که عبارتند از: اول دریای اخضر که عرض آن پانصد فرسنگ باشد و جزایر آباد بسیار دارد و یکی از آنها سراندیپ است، دوم دریای عمان، سوم دریای قلزم یا بحر احمر، چهارم دریای بربر، پنجم دریای اقیانوس، ششم دریای قسطنطنیه که آن را بحرالروم نیز گویند، هفتم دریای اسود. و در شمارشی دیگر عبارتند از: دریای چین، دریای مغرب، دریای روم، بحر بنطش، بحر طبریه، بحر جرجان، بحر خوارزم. (دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل ماده هفت)

۵. بر در میکده رندان قلندر باشند که ستانند و دهند افسر شاهنشاهی

خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای دست قدرت نگر و منصب صاحب‌جاهی (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۹۹۳)

مراد از هفت اختر، آفتاب و ماه به همراه عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل است، که به اعتقاد قدما جای این سبعة سیاره به ترتیب در هفت فلک یا هفت آسمان است: ماه در فلک اول، تیر در فلک دوم، ناهید در فلک سوم، مهر در فلک چهارم، بهرام در فلک پنجم، برجیس در فلک ششم، کیوان در فلک هفتم. حافظ بلندی جایگاه و مقام رندان قلندر را با نهادن پای بر تارک هفت اختر (به معنای اوج بلندی و رفعت) برای مخاطب روشن نموده است.

۶. زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی خط بر صحیفه گل و گلزار می‌کشی

اشک حرم‌نشین نهانخانه مرا زان سوی هفت پرده به بازار می‌کشی (همان: ۱۸۶۲)

کنایه از هفت پرده چشم است که عبارتند از: ملتحمه، قرنيه، عنبیه، عنكبوتیه، شبکیه، مشیمیه، صلبیه.

۷. در راه ما شکسته‌دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی از آن سوی دیگر است

شیراز و آب رکنی و این باد خوش‌نسیم عیبش مکن که خال رخ هفت کشور است (همان: ۱۳۱)

هفت کشور: ایرانیان قدیم عالم را به هفت کشور قسمت می‌کرده‌اند، که جنبه‌ای افسانه‌ای دارد، و ایران را کشور وسط می‌پنداشتند و شش کشور دیگر را در اطراف آن.

شاعران زیادی، از جمله فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۱ ه. ق)، فرخی سیستانی (.... - ۴۲۹ ه. ق)، عنصری بلخی (۳۵۰ - ۴۳۱ ه. ق)، ناصر خسرو (۳۹۴ - ۴۸۱ ه. ق)، نظامی (۵۳۵ - ۶۰۷ تا ۶۱۲ ه. ق) و... نیز به هفت کشور یا هفت اقلیم اشاره کرده‌اند.

قابل ذکر است که حافظ از اصطلاحاتی همچون هفت آب (ج: ۱: غزل ۱۳۹) هفت آسمان (ج: ۲: غزل ۱۹۵) هفت بحر (ج: ۳: غزل ۴۸۱) هفت‌خانه چشم (ج: ۲: غزل ۳۰۱) هفت گنبد افلاک (ج: ۱: غزل ۸۵) و هفتم زمین (ج: ۱: غزل ۴۲) نیز بهره برده است.

۸. خاک ره آن یار سفر کرده بیارید تا چشم جهان‌بین کنمش جای اقامت
فریاد که از شش‌جهتم راه بیستند آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت (همان: ۴۰۴)
شش‌جهت: مقصود وی از شش‌جهت، همان شش سوی جهان است که عبارتند از: شمال، جنوب، مشرق، مغرب، بالا و پایین. در مصراع دوم از شش‌سمبل زیبایی، یعنی خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت نام می‌برد، که هر کدام از یک جهت و مجموعاً از شش جهت راه فرار را بر او بسته‌اند. (غیاث‌الدین رامپوری، ۱۳۶۳: ۴۴۹)

۹. هر گل نو که شد چمن‌آرای ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست
دور مجنون گذشت و نوبت ماست هر کسی پنج‌روز نوبت اوست (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۷۲)
پنج‌روز: کنایه از مدت زمان اندک برای انسان در این دنیا است، که نشان از فانی بودن دنیا دارد.
۱۰. ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود وین بحث با ثلاثه غسله می‌رود (همان: ۹۳۸)
ثلاثه غسله: در لغت به معنی سه تایی شوینده است و در لغت‌نامه دهخدا ذیل این ماده آمده است که: سه پیاله شراب که به وقت صبح نوشند و آن شوینده غم‌ها و شوینده فضول تن و از بین برنده کدورت بشریات باشد. فروزانفر در این باره می‌گوید: «یک نوع شراب هم برای اصلاح معده و امعاء وقت صبح می‌خورده‌اند و مقدار آن سه پیمانانه بوده است.» (فروزانفر، ۱۳۵۱، ج: ۱: ۱۷۳)

۱۱. سحرگه رهروی در سرزمینی همی‌گفت این معما با قرینی
که ای صوفی شراب‌آنکه شود صاف که در شیشه بر آرد اربعینی (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۹۷۵)
اربعین: در لغت به معنی چهل است و در بیت به قرینه صوفی اشاره دارد به چله‌نشینی صوفی و رسم چله‌نشینی در اوراد-الأحباب چنین آمده است: خداوند گل‌انسان را به مدت چهل روز خمیر کرده و وجود آدم را از آن ساخته، و در هر روز پرده‌ای از حجاب بر دل آدمی کشیده شده است؛ پس با چهل پرده از آفریدگار خود دور شده است. (باخرزی، ۱۳۴۵: ۲۹۲)
۱۲. به لابه‌گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر به یک شکر ز تو دلخسته‌ای بیاساید (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۸۴)
یک شکر: کنایه از یک بوسه است.

۱۳. میان او که خدا آفریده است از هیچ دقیقه‌ایست که هیچ آفریده نگشادست
گدای کوی تو از هشت خلد مستغنیست اسیر بند تو از هر دو عالم آزادست (همان: ۲۲۸)
هشت خلد: یعنی هشت بهشت که عبارتند از: خلد، دارالسلام، دارالقرار، جنت عدن، جنة‌المأوی، جنة‌النعم، علیین، فردوس.

۱۴. مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست که به پیمان‌کشی شهره شدم روز الست
من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه هست (همان: ۲۴۳)
چار تکبیر: در لغت به معنی چهار بار الله اکبر گفتن، اشاره به نماز میّت دارد، که در میان اهل سنت نماز میّت چهار تکبیر دارد و مجازاً ترک کسی یا چیزی گفتن است. همان‌گونه که در بیته از خاقانی شروانی به معنی ترک کردن آمده است:
چار تکبیری بکن بر چار فصل روزگار چار بالشهای چار ارکان به دونان باز مان (خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۳۲۶)
۱۵. این راه را نهایت صورت کجا توان بست کش صد هزار منزل بیش است در بدایت
عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۲۴)

چهارده روایت: برای قرآن هفت قاری بوده‌اند که قُرّاء سبعة نام دارند، و قرائت هر یک از ایشان به واسطه دو راوی به ما رسیده است. قرآن و نماز را بر هر یک از این چهارده روایت بخوانند، به اجماع علماء مقبول و صحیح است. قرائت معمول در بلاد اسلام و مخصوصاً در بلاد شرقی اسلامی، قرائت حفص است از عاصم، که حفص راوی و عصم قاری قرآن است. (معین، ۱۳۱۹: ۸۶)

۱۶. بر آن چشم سیه صد آفرین باد که در عاشق‌کشی سحرآفرین است

عجب علمیست علم هیئت عشق که چرخ هشتمش هفتم زمین است (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

چرخ هشتم: کنایه از فلک ثوابت است؛ یعنی فلکی که کواکب ثابت در آن قرار دارند و مراد چرخ بلند و کنایه از مقام و مرتبه عالی است. (مصفا، ۱۳۵۷: ذیل کلمه)

هفتم زمین: مقصود پایین‌ترین طبقه زمین، یعنی اسفل‌السافلین و کنایه از پستی زمین است.

۱۷. بوسیدن لب یار اول ز دست مگذار کاخر ملول گردی از دست و لب گزیدن

فرصت شمار صحبت کز این دو راهه منزل چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۶۰۹)

دو راهه منزل: توفتگاه جدایی و وداع، که کنایه از دنیاست به اعتبار اینکه مرگ آدمیان را از هم جدا می‌سازد.

۱۸. نگفتمت که حذر کن ز زلف او ای دل که می‌کشد درین حلقه باد در زنجیر

می دو ساله و محبوب چارده ساله همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر (همان: ۱۰۶۸)

چارده ساله: چارده سالگی، مرز بلوغ دختران در مناطق معتدل است، و ظاهراً چنین دلبری در نظر شاعر هنوز صغیر است.

۱۹. در آمدی ز درم کاشکی چو لمعه نور که بر دو دیده ما حکم او روان بودی

به بندگی قدش سرو معترف گشتی گرش چو سوسن آزاده ده زبان بودی (همان: ۱۷۹۴)

ده زبان: سوسن آزاد گیاهی است که در همه سال سبز است، و به این جهت آن را سوسن آزاد گفته‌اند. شاعر پنج گلبرگ و پنج کاسبرگ نوک‌تیز آن را زبان تصور کرده و مجموعاً برای آن ده زبان در نظر گرفته است.

۲۰. بگذار تا ز شارع میخانه بگذریم کز بهر جرعه‌ای همه محتاج این دریم

روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق شرط آن بود که جز ره این شیوه نسپریم (همان: ۱۵۴۳)

روز نخست: گویا اشاره دارد به عشق عرفانی و پذیرفتن آدم امانت عشق را در روز آغاز خلقت؛ چنانکه در تفسیر آیه *إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا* (بی‌گمان، ما امانت (تکلیف) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم؛ اما آن‌ها از برداشتن آن سر باز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را به

دوش کشید. راستی که او بسیار بیدادپیشه و نادان است.) (سوره احزاب، آیه ۷۲)

۲۱. شگرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر کاین طفل یکشبه ره یک ساله می‌رود (حافظ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۴۰)

طفل یکشبه: طفلی که تازه یک شبی است به دنیا آمده است، و در بیت کنایه از شعری است که فقط یک شب از سرودن آن می‌گذرد.

۲۲. می بیاور که ننازد به گل باغ جهان هر که غارتگری باد خزانی دانست

حافظ این گوهر منظوم که از طبع انگیخت اثر تربیت آصف ثانی دانست (همان: ۹۴۰)

آصف ثانی: گویا خواجه جلال‌الدین تورانشاه، وزیر شاه شجاع باشد. (غنی، ۱۳۲۱: ۲۷۴)

۲. نتیجه‌گیری

همچون همه هنرهای راستین، شعر حافظ پرعمق، چندوجهی، تعبیرپذیر و رازناک است. حافظ هیچ‌گاه ادعای کشف و غیب‌گویی نکرده، ولی از آن‌جا که اندیشه‌ای عمیق داشته و پرمعنا و پرشور زیسته و سخن و شعر خود را با عشق و صدق همراه کرده، کار بزرگ هنری او آینه‌دار طلعت و طینت فارسی‌زبانان گردیده است. روزگار حافظ روزگار زهدفروشی و ریاورزی بوده است. هم‌عصران پرمدعای او شور و شیوه مردان خدا و روندگان راه حقیقت را فراموش کرده بودند، و اغلب، خرقة‌داران و پشمینه‌پوشانی بودند که بویی از عشق نبرده، به تندخویی شهرت داشتند و پای از سرای طبیعت بیرون نمی‌نهادند، و کج می‌باختند و کج می‌زیستند.

با سیری در دیوان غزلیات حافظ آنچه حاصل شد، اینکه، شاعر از بیشتر علوم زمانه خود در اکثر زمینه‌ها اعم از فلسفه، جغرافیا، مفاهیم نجومی و سماوی، ادیان، فرهنگ اساطیر، فرهنگ عامه و ... آگاهی داشته و سعی نموده با بهره‌گیری از اعداد و ارقام فارسی و گاهی عربی، با مخاطب خود ارتباط معنایی و مفهومی برقرار کرده، دانسته‌های خود را در قالب شعر و غزل با ایشان در میان بگذارد، تا بتوانند با تفکر و نگرش چندوجهی و نمادین او نیز ارتباط برقرار کنند. برای آگاهی بیشتر از قدرت رسانایی پیام شعر حافظ در استفاده از اعداد، می‌توان به شعر خاقانی اشاره کرد که اعداد و ارقام در در دیوان او بسامد بالایی دارد، و با به‌کارگیری اصطلاحات دشوار در کنار اعداد، درک متن را بر مخاطب سخت می‌کند؛ حال آنکه ابیاتی از حافظ که در آنها اعداد بازتاب داشته، برای مخاطب بسیار روان و قابل فهم هستند؛ چرا که او در اینجا نیز مثل سایر ابعاد شعرش، هنر سخن‌آرایی خود را به کار بسته و تناسب معنایی و لفظی را در کنار هم آورده، تا مخاطب با ثقل معنایی مواجه نشود و درک پیام شعر بر او دشوار نباشد.

اعداد در شعر حافظ با رویکردهای خاص و عام معنایی و زبانی همراه است، که دایره شمول گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. در این نوشته درآمدی گذرا بر رویکرد معنایی اعداد داشته‌ایم، که شاعر از آنها در جهت تفهیم خاستگاه‌های مختلف فکری و هنری خود به مخاطب یاری می‌جوید. این زمینه‌های فکری و هنری، شامل طیف گسترده‌ای از موضوعات است، که تاریخ، فلسفه، عرفان، نجوم، ریاضیات، اسطوره، زیباشناسی، جغرافیا و ... بخش‌های جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌آید، و شاعر با توانمندی منحصر به فرد خود توانسته با تلفیق اطلاعات و آگاهی‌های برگرفته از این دانش‌ها با اعداد، به شعر خود ساحت‌های چندگانه معنایی ببخشد، که در مواردی نه اندک، رازناکی و تعبیرپذیری شعر حافظ ریشه در همین تلفیق آگاهانه و هنرمندانه دارد؛ یعنی اعداد در بازنمایی بخشی از زیرساخت و روساخت اندیشه‌های بنیادین حافظ، نقش انکارناپذیری دارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

اخوان الصفا (۱۹۴۹م)؛ رساله الجامعة، دمشق: مطبعة الشرقی.

باخرزی، یحیی بن احمد (۱۳۴۵)؛ اوراد الاحباب و فصوص الآداب. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.

خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۸۲)؛ دیوان، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)؛ لغتنامه، ۱۵ جلدی. تهران: دانشگاه تهران.

عین‌القضاء، عبدالله بن محمد (۱۳۵۴)؛ شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه، تهران: انجمن آثار ملی.

غنی، قاسم (۱۳۲۱)؛ تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم، تهران: زوآر.

غیاث‌الدین رامپوری، محمد بن جلال‌الدین (۱۳۶۳)، غیاث‌اللغات. به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.

فروزانفر، محمدحسن (۱۳۵۱)؛ مجموعه مقالات و اشعار بدیع الزمان فروزانفر، با مقدمه عبدالحسین زرین کوب، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، دو جلدی. تهران: کتابفروشی دهخدا.

مصفا، ابوالفضل (۱۳۵۷)؛ فرهنگ اصطلاحات نجومی؛ همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی، تبریز: دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

معین، محمد (۱۳۱۹)؛ حافظ شیرین سخن، تهران: پروین.

نصیری دهقان، مهدی (۱۳۸۹)؛ راز عدد هفت، تهران: ابتکار دانش.

هروی، حسینعلی (۱۳۶۹)؛ شرح غزل‌های حافظ، دوره چهار جلدی، تهران: چاپخانه صفا.

Archive of SID